

بسم الله الرحمن الرحيم

روش کلاس‌داری

مطالب ارائه شده در کلاس روش کلاس‌داری

استاد اسماعیلی

و با استفاده از کتاب

جذاب سازی کلاسهای دینی



کانون نخبگان شفق اردکان

مقدمه

امام رضا علیه السلام: «من طلب الامر من وجهه لم يزل فإن زلَّ كم تخذله الحيله»
«هرکس در پی کاری از راه و روش آن رود، نلغزد و اگر بلغزد راه کار رهایی اش نیز بیابد.»

دنیای فعلی دنیای استفاده از روشهاست. حرف اول را کسی می زند که دارای روش، متد و سبک نو باشد. به عنوان مثال در بازار کسی حرف اول را می زند که بسته بندی بهتری دارد. ما در اسلام اشرف مواد را در اختیار داریم که دنیا تشنه آن است اما چون روش و قالب دل انگیز و جذابی نداریم کسی از آن استقبال نمی کند.

اسکلت و چارچوب یک کلاس جذاب

۱. شروعها
۲. قالبها و روشها
۳. ایجاد تنوع و رفع خستگی
۴. تکالیف و دعاها

شروعها

- شروع با بسم الله الرحمن الرحيم

کودکان «ای نام تو بهترین سر آغاز»
نوجوان «به نام آنکه گل را رنگ و بو داد»
جوان «به نام آنکه هستی را رقم زد»

- شروع با پرسش

سؤالهایی به درد شروع جذاب می خورند که بار تربیتی داشته باشند. (یعنی اگر مخاطب نتوانست پاسخ دهد هم اشکالی ندارد اما باید او را به تأمل وادارد.)
نمونه:

اگر تنهای تنها در بیابان قرار گرفتی چه کار می کنی؟
اگر در موقعیت گناه قرار گرفتی چگونه خود را راضی می کنی که گناه نکنی؟
اگر یک دعای مستجاب داشته باشی چه دعایی می کنی؟
اگر شما یک نویسنده بودی اولین موضوعی که می نوشتی چه بود؟
از حرکت عقربه های ساعت چه نتیجه ای می گیری؟
از حرکت ابرها و ریزش برگ درختان چه برداشتی داری؟
هدف و برنامه شما از زندگی چیست؟
اگر امام زمان (عج) را ببینی از ایشان چه می خواهی؟
اگر جلوی دوربین قرار بگیری چه می گویی؟
وقتی شما عصبانی می شوید چه کار می کنید؟

بهترین آرزوی شما در زندگی چیست؟
انتظار شما از روحانی محل چیست؟
اگر شما عیبی از دیگران ببینی چه کار می کنی؟
قرآن چندمین کتاب آسمانی است؟ (۱۰۴ در مجمع البیان آمده).
اگر همین الان در کنار ضریح امیرالمؤمنین علیه السلام باشی چه کار میکنی؟
یک الگوی خوب چه صفاتی باید داشته باشد؟
اگر دوستانت تو را به گناه دعوت کنند چه کار می کنی؟

• شروع با نکته اخلاقی

نمونه:

از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسیدند: «بما نلن بما نلت؟ چگونه به این همه رسیدی؟» فرمود: «كنت بوّابا علی قلبی؛ من دروازه بان قلبم بودم.»
از دانشمندی پرسیدند: «تا بهشت چقدر راه است؟ پاسخ داد: یک قدم؛ یک قدم بگذار روی نفست قدم دیگر را بگذار در بهشت.»

- شروع با همخوانی سوره
- شروع با سلام و احوال پرسی
- شروع با شعر

قالبا و روشها

معانی روش

لغوی: شیوه، قالب، سبک، متد، تکنیک، فوت و فن، لم، منوال، گونه، قائده، قانون، شکل، اسلوب، طور، رسم، نوع، حالت، نحوه، آیین و ...
اصطلاحی: طرق ارائه مفاهیم دینی به دیگران.

انواع روش:

غیر مستقیم:

۱. کنایه: پیام به روش ایماک اعنی واسمعی یا جاره منتقل شود.
۲. اشاره: مثل اینکه قرآن به حضرت عیسی می فرماید: آیا تو گفتی برای خدا شریک بگیرند؟
۳. تعریض
۴. تلویح
۵. تداعی معانی: مانند گریه حضرت سجاد علیه السلام هر وقت که آب می دیدند.

مستقیم: مثل سخنان لقمان به فرزندش.

• اختصاصی

• عمومی

➤ آموزشی

✓ سنتی

❖ مکتب خانه ای

❖ سقراطی (روش پرسش و پاسخ)

✓ جدید

❖ متداول و فراگیر

(۱) پرسش و پاسخ (۱۷ قسم)

(۲) پروژه ای (واحد کار)

(۳) اکتشافی

(۴) بحث و مباحثه

(۵) تمرینی و تکلیفی

(۶) گردش علمی

(۷) آزمایشی

(۸) نمایشی

(۹) توضیحی

(۱۰) یادگیری فردی (چهره به چهره)

(۱۱) حل مسئله

۱۲) قیاسی

۱۳) استقرایی

۱۴) سخنرانی

۱۵) جمع بندی و تلفیق روشها

۱۶) آموزش مهارت‌های فراشناختی

❖ نوین و ابداعی (فانتزی)

- ۱) روش ایجاد سازش بین موضوع، زمان و زمانه
- ۲) روش تنظیم محتوی
- ۳) روش بارش فکری
- ۴) روش پیوند مفاهیم با واقعیات زندگی مخاطب
- ۵) روش تمثیلی
- ۶) روش تلخیصی
- ۷) روش علمی
- ۸) روش علی و معلولی
- ۹) روش تنوعی
- ۱۰) روش طراحی
- ۱۱) روش تأثیر باورهای دینی بر اعمال

➤ تربیتی

✓ بازدارنده

✓ وادارنده (مثل روشهای جلب و برانگیزاننده)

✓ تصحیح رفتار (مثل توبه)

روشهای نوین و ابداعی

قالبها

۱. روش ایجاد سازش بین موضوع، زمان و زمانه

فردی خداشناس از کوچه ای عبور می کرد. شخصی با عجله به او رسید و گفت: خدا را در یک دقیقه به من معرفی کن. (مربی موفق آنست که واژه ها را با ثابته ها پیوند بزند). مرد خداشناس گفت: آیا تو

هستی یا نیستی؟ پاسخ داد: من هستم و در بودنم هم شک ندارم. شخص خداشناس پرسید: آیا خودت خودت را ساخته ای؟ پاسخ داد: نه؛ چون نه وسیله ای در اختیار دارم و نه آگاهی لازم را. آنگاه مرد خداشناس با لبخند گفت: پس تو باید سازنده ای داشته باشی که بداند چه بسازد و و بتواند بسازد. ما نام او را خدا می گذاریم.

جدول موضوعات مربوط به گروههای سنی مختلف:

نونهالان ۴-۷	کودکان ۷-۱۲	نوجوانان ۱۲-۱۶	جوانان ۱۶-۲۵	اصناف	اقتضای
نظافت پدر و مادر خواهر و برادر خواب و بیداری غذا و تنقلات آشنایی با اشیاء لباس و کفش بازیهای خطرناک درختان و گلها شناخت اقوام نقاشی اسباب بازی آشنایی با رنگها داستان وسرگرمی شعر	دوستان همسایه ها معلم و مربی سلام و خداحافظی بازی تمیزی راست و دروغ فحش احترام و ادب خدا و طبیعت قرآن زمان نظم و انضباط دعوا داستانهای اعتقادی کمک در خانه چگونه صحبت کردن	مزاح و شوخی انسان و انتخاب راه دین چیست؟ بهشت و جهنم امید و ایمان پر خاشگری در منزل رقابت و حسادت سیگار دوست و اعتماد به آن تغلب رمز موفقیت و خوشبختی حجاب و کارکردهای آن تقلید شجاعت و زیرکی	عوامل نگرانی محبت و عشق موسیقی لذت معنوی و ارتباط با خدا نگاه افسردگی و شکست ازدواج بزهکاری های اخلاقی آرزو شهادت طلبی و ایثار توبه و رحمت خدا اعتماد به خدا و اعتماد به نفس برنامه ریزی خودباختگی	مانند معلم، کارگر، پزشک، فروشنده و غیره. باید جهت این افراد، صنفی حرف بزنیم یعنی برای هر کدام موضوعاتی مربوط به خودشان مانند مسائل بهداشتی یا بیت المال یا حق الناس.	در رابطه با این افراد با نکاتی بیان گردد که عوام می فهمند و خواص می پسندند؛ مانند نکات اخلاقی.

		عجله و بازیگوشی چادر لجبازی	گناه و ثواب همدلی و همکاری تصمیم گیری رازداری شعر وفای به عهد عفو و بخشش محرم نامحرم پدر مادر معلم خواهر برادر ولی فقیه (انقلاب)	شعر زیبایی و پاکیزگی (شیک پوشی) خواب و رؤیا تنهایی هدف از زندگی دین و دنیا آزادی و آزادگی نتیجه و عواقب اعمال ارزش عمر	
--	--	--------------------------------------	--	---	--

نکات:

- ۱-۱ اگر شعر یا حدیث یا آیه ای را حفظ کردند دوست دارند تک خوانی کنند و دوست ندارند شما با آنها بخوانید.
- ۲-۱ شعر خواندن برای این سن (نونهالان) باید در وزنهای «اتل متل توتوله» «یه توپ دارم قلقلیه» «تاب تاب عباسی» باشد.
- ۱-۲ در داستانهای کودکان نباید نتیجه گیری کرد بلکه باید نتیجه به خودشان واگذار شود.
- ۲-۲ این گروه برخلاف گروه قبلی شعرهایی را دوست دارند که بین الاثینی باشد یعنی شما بخوانید و آنها تکرار کنند.
- ۳-۲ برنامه کودکان باید شاد باشد البته همراه با محتوای خوب.
- ۱-۳ نوجوانان بیشتر شعرهای تک بیتی یا دو بیتی را دوست دارند. (کتاب برگ و بار آقای محدثی).
- ۲-۳ در بیان داستان برای نوجوانان باید دو نکته را رعایت کرد:
 - قصه را به صورت خودمانی بیان کردن.

- حتی الامکان سعی شود کمترین مقدار آیات یا روایات در داستان استفاده شود به عنوان مثال داستان حضرت موسی در ۱۷ سوره قرآن آمده است ما سعی کنیم فقط یک آیه را آن هم در آخر داستان و برای استشهاد بیان کنیم.

۴ از شعر هم میتوان در گروه جوانان استفاده کرد البته شعرهایی مانند اشعار مرحوم آقاسی.

دو نمونه برای نوجوانان

۱. امام صادق علیه السلام می فرمایند: «من یصحب صاحب السوء لا یسلم». (جمع خوانی) «کسی با دوستان بد همراهی کند سالم نمی ماند.»
دوستان^۱ چند گروهند:

۱. دوستان بوقلمونی: دوستانی که چند رنگ هستند؛ جلوی ما یک رنگ و پشت سر ما یک رنگ دیگر.

۲. دوستان زنبوری: گاهی اوقات حرفهایی می زنند که دلمان را می سوزاند.

۳. دوستان جنگی: تا یک چیزی می شود جنگ و دعوا راه می اندازند.

۴. دوستان شکمی: تا پول داری رفیقتم.

۵. دوستان پرکاهی: تا یک حرف که به او بزنیم قهر می کند.

۶. دوستان پارسالی: فقط پارسال با ما دوست بود امسال می رود سراغ دیگری. (در مدارس).

۷. دوستان پروانه ای: مانند پروانه که به دور گل می چرخد. به هم تذکر می دهند مراقب باش، حواست جمع باشد و ... ما باید هم خودمان دوست پروانه ای دیگران باشیم و هم دوستان پروانه ای داشته باشیم.

۸. دوستان نمونه: که از همه بهترند مانند

- خدا: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: ألا إن الله یحب بغاة العلم».
- پیامبر: پیامبر با بچه ها بازی می کردند و به آنها احترام می گذاشتند.
- امامان: امام صادق علیه السلام با بچه ها قایم باشک بازی می کردند و وقتی کسی بی ادبی می کرد حضرت قهر می کردند، سپس قول می گرفتند که تکرار نشود و دوباره برمی گشتند.

^۱. نمونه کامل این مثال در کتاب جذاب سازی صفحه ۶۷ ذیل بحث روش تنوعی آورده شده است.

- معلم
- پدر و مادر
- کتاب

۲. مزاح و شوخی در اسلام:

۱ ابتدا گفته شود که شاد کردن دیگران فقط با شوخی و مزاح نیست بلکه گاه انسان کار دیگری را که راه می اندازد او را شاد کرده است و ارزش این کار برای هر دوی ایشان بسیار زیاد است:
نتیجه شاد کردن مؤ من

عصر امام صادق(ع) (بود، شخصی به نام)) نجاشی ((فرماندار اهواز و شیراز بود)، او با اینکه از جانب خلفای وقت ، فرماندار بود، ولی از شیعیان و دوستان امام صادق(ع) (به شمار می آمد)، یکی از کار گزاران تحت امر او) مثلاً به نام سعید که نیز شیعه بود (به حضور امام صادق(ع) (آمد و چنین عرض کرد:

((نجاشی حاکم اهواز و شیراز، از شیعیان و معتقدین به امامت شما است ، نام من در لیست دفتر مالیات او نوشته شده و از ناحیه او هزار درهم خراج بابت بدهکاری من ، مقرر شده است ، اگر صلاح بدانید برای من ، به حاکم اهواز توصیه ای بفرمائید)) (تا نام مرا از لیست پرداخت مالیات ، حذف کند)

امام صادق(ع) (این نامه را برای نجاشی نوشت:

بسم الله الرحمن الرحيم ، سر اخاک يسرک الله

((به نام خداوند بخشنده مهربان ، برادرت را شاد کن ، خداوند تو را شاد فرماید.))

سعید نامه امام را گرفت و نزد نجاشی برد، و در مجلس عمومی او، بر نجاشی وارد گردید، وقتی که مجلس خلوت گردید، نامه امام را به نجاشی داد و گفت:)) این نامه امام صادق(ع) (است.))

نجاشی ، فوق العاده به آن نامه احترام کرد، آن را بوسید و روی چشم خود نهاد و به سعید گفت:)) حاجت چیست؟)) سعید: در دفتر مالیات شما، مبلغی مالیات در مورد من نوشته شده است.

نجاشی : چه مقدار است ؟

سعید : هزار درهم می باشد.

هماندم ، نجاشی دفتر خود را طلبید و به او گفت : این مبلغ را از حساب سعید بیرون بیاور و در حساب بدهی خودم بنویس ، و در مورد مالیات سال آینده سعید نیز همین کار را بکن .

آنگاه نجاشی به سعید گفت : هل سررتک ؟)) : آیا تو را شاد کردم.))

سعید : آری ، فدایت گردم .

سپس نجاشی دستور داد تا به سعید، یک مرکب و یک کنیز و نوکر بدهند، و نیز امر کرد که یک دست لباس به سعید دادند هر یک از آنها را که به سعید می دادند، نجاشی می گفت:)) آیا تو را شاد کردم؟))

سعید در پاسخ می گفت:)) آری فدایت گردم))

ابتدا چند سؤال: اگر شما کسی را بکشی چه کار می کنی؟ اگر شما چشم کسی را کور کنی چه کار می کنی؟ اگر شما ...

در اسلام دو نوع مزاح و شوخی داریم:

• حرام و ممنوع: آن مزاح و شوخی که ۱۰ نفر بخندند و یک نفر گریه کند. (موجب آزار و اذیت دیگران شود).

• حلال و جایز: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم می فرمایند: «من سرّ مؤمناً فقد سرّنی و من سرّنی فقد سرّ الله». (با هم بخوانید). «أنی أمزح و لا اقول الا الحق».

شوخی باید:

حق باشد - باطل نباشد. (اگر با حرام کسی بخوهد دیگران را بخنداند و یا توهین به مقدسات داشته باشد باطل است).

شادی آور باشد - غم آلود نباشد. (مراد اینست که برای همه شادی آور باشد و هیچ کسی ناراضی نباشد).

مرد عربی برای پیامبر هدیه می آورد و تا پیامبر آن را می گرفتند می گفت پول آن را بدهید. و پیامبر می خندید. هر وقت که پیامبر ناراحت می شدند می فرمودند کجاست اعرابی؟

هر چه سعید آری می گفت ، نجاشی بر عطایش می افزود پس از فراغ نجاشی به سعید گفت : همین فرش اطاق را که هنگام دادن نامه امام صادق(ع) (روی آن نشسته بودم ببر، و بعد از این هرگاه حاجتی داشتی نزد من بیا که بر آورده است سعید، فرش را نیز برداشت و خوشحال از خانه نجاشی بیرون آمد، سپس به حضور امام صادق(ع) (شرفیاب گردید، و ماجرای ملاقات خود با نجاشی را به امام صادق(ع) (عرض کرد، و امام صادق(ع) (آنچه را که در مورد مهربانی نجاشی به سعید، می شنید، خوشحال می شد.

سعید گفت:)) ای فرزند رسول خدا، گویا رفتار نیک نجاشی با من ، شما را شادمان کرد؟))
امام صادق(ع) (فرمود:

ای و الله و لقد سر الله و رسوله

((آری سوگند به خدا، نجاشی خدا و رسولش را نیز شاد کرد.))

(این است نتیجه شاد کردن مؤمنین ، باید توجه داشت که شاد کردن مؤمن ، بیشتر مربوط به عمل و همکاری و رفع مشکلات است ، نه اینکه مثلاً با مزاحمی او را شاد کنند)

هدف دار باشد- بی هدف نباشد.

زنی از شوهرش نزد پیامبر شکایت کرد پیامبر به او فرمودند: تو همسر همان مردی هستی که درون چشمش سفیدی است؟ زن گفت: نمی دانم. حضرت فرمودند برو دقت کن و زن رفت و وقتی به شوهرش رسید به چشمان او خیره شد تا ببیند درون چشمش سفیدی هست یا نه. (در حالی که درون چشم همه سفیدی هست.) و از این کار زن، شوهر خنده اش گرفت و خودش هم خندید و آشتی کردند.

بجا باشد- بی جا نباشد.

مثل اینکه در مجلس ختم با هسته خرما همدیگر را بزنند.

گروهی به جنگ رفته بودند و با شکست مواجه شدند و بازگشتند بسیار ناراحت بودند. پیامبر ایشان را دراز کردند و پرسیدند: این پای من شبیه چیست؟ هر کسی پاسخی داد و حضرت فرمودند: نه! تا اینکه اصحاب عرض کردند خودتان بفرمایید یا رسول الله. حضرت فرمودند: شبیه پای دیگرم. پیرزنی نزد پیامبر آمد و عرض کرد: من می خواهم به بهشت بروم و حضرت فرمودند: پیرزنان را به بهشت راه نمی دهند! پیرزن دلگیر و ناراحت شد^۱...

متناسب با سن باشد- نامتناسب نباشد.

کوچک تر با بزرگتر شوخی نکند.

بموقع باشد- بی موقع نباشد.

مانند خرما خوردن پیامبر و حضرت علی علیهما السلام که پیامبر فرمودند...

با محارم باشد- با نامحرم نباشد.

۱ پیرزن به بهشت نمی رود!

مروى است صفيّه بنت عبدالمطلب كه عمه حضرت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم است ، روزى نزد حضرت آمد در حالى كه پير شده بود، گفت : يا رسول الله دعا كن تا من به بهشت روم. حضرت بر سبيل طيب فرمود كه : زنان پير به بهشت نخواهند رفت . صفيه از مجلس حضرت برگشت و مى گريست . حضرت تبسم فرمود و گفت : او را خبر دهيد كه اول پيرزنان جوان شوند، آن گاه به بهشت روند و اين آيت بخواند : انا انشاءنا هنّ انشاء فجعلنا هنّ ابكار. يعنى به درستى كه ما بيافريديم زنان را در دنيا آفريدى پس خواهيم گردانيد ايشان را دختران بكر و دوشيزه در آخرت كه ايشان را به بهشت در آريم .

۲. روش بارش فکری

در این روش برخلاف روش های دیگر که دادن اطلاعات به مخاطب است، دریافت اطلاعات از مخاطب می باشد.

ابتدا مخاطبین (که بهتر است از اول راهنمایی به بالا باشند) را به هفت گروه تبدیل می کنیم. (بهتر آنست که هفت گروه هفت نفره باشند اما اگر بیشتر یا کمتر شد اشکالی ندارد). بعد از تقسیم بندی گروهها برای هر گروه یک سخن گو معرفی می نماییم و سپس به هر گروه یک پرسش می دهیم تا با همفکری به آن پرسش پاسخ دهند. در زمان مشورت آنها، ما به عنوان عضو افتخاری هر گروه پاسخ صحیح را به آنها می گوئیم و سخن گو وظیفه دارد همه پاسخها را بر روی کاغذ بنویسد و در آخر بهترین پاسخ و پاسخ ارائه شده توسط استاد را زمانی که استاد درخواست می کند بخواند. در زمانی که سخن گو ها سؤالها و پاسخها را می خوانند همه گروهها موظفند همه سؤالها و پاسخهای صحیح را که استاد تأیید می کند بنویسند. سؤالها به دو گروه اصلی و فرعی (در صورتی که بیشتر از هفت گروه داشته باشیم). تقسیم می شوند. سؤالات اصلی باید در زمینه های زیر باشند:

۱. تعریف
۲. ضرورت
۳. پیام
۴. توقعات ما از آن
۵. توقعات آن از ما
۶. حرف اصلی
۷. نتیجه، فواید و ثمرات

توافقنامه

قبل از شروع کلاس یک توافقنامه و قرارداد اخلاقی در شش بند آماده کرده، می خوانیم که همه شرکت کنندگان می بایست آن را امضا کنند و به صورت قاب شده به دیوار کلاس نصب گردد. (این کار از بی نظمی های احتمالی جلوگیری خواهد کرد).
بند های توافقنامه عبارتند از:

۱. وقتی کسی صحبت می کند به احترام او سکوت کرده گوش می کنیم.
۲. به نظرات همدیگر احترام می گذاریم.

۳. جلسه باید فعال باشد و همه در مباحث شرکت می‌نماییم.
۴. نظرات همدیگر را مسخره نمی‌کنیم.
۵. در گوشی صحبت (پیچ پیچ) نمی‌کنیم.
۶. مباحث جلسه در حکم امانت است، بایستی محرمانه و محفوظ بماند. (جهت ایجاد اهمیت برای موضوع‌ها)

چند نکته:

- در جلسات اول باید صبر کنیم تا این روش جا بیفتد.
- اولین روزی که جایی می‌رویم این روش را اجرا نکنیم.
- بهترین مکان برای اجرای این روش جایی است که فرش باشد و حتماً به صورت حلقه‌ای بنشینند.

نمونه:

هفت سؤال اصلی:

۱. دین چیست؟
۲. چرا دین لازم است؟
۳. پیام اصلی دین چیست؟
۴. دین از ما چه انتظاری دارد؟
۵. ما از دین چه انتظاری داریم؟
۶. دین نزد خدا چیست؟
۷. آثار و فواید دین داری چیست؟

سؤالهای فرعی:

۱. چرا بعضی از دینداران مرتکب گناه می‌شوند؟
۲. چرا بعضی از مردم بیشتر از بعضی دیگر به انجام وظایف دینی اهمیت می‌دهند؟
۳. چه عواملی باعث دلزدگی شما نسبت به انجام تکالیف دینی می‌شود؟
۴. چه عواملی موجب تشویق شما نسبت به انجام وظایف دینی می‌شود؟
۵. چگونه می‌توان با دین به قرب الهی رسید؟
۶. شما از معلم دینی یا روحانی محل چه انتظاری دارید؟

۷. چه عواملی باعث می شود برخی از فرزندان متدینین نسبت به انجام تکالیف دینی کوتاهی کنند؟

نکته: بهترین موضوعات در این رابطه مطالبی است که در کتب درسی آنها آمده است، برای این کار می توانیم از کتاب دینی مقاطع مختلف تحصیلی استفاده نماییم. یا اینکه کتابی به آنها بدهیم تا ۲۰ صفحه اول یا فصل اول آن را مطالعه نمایند و سپس در جلسه شرکت کنند.

۳. روش پیوند مفاهیم با واقعیات زندگی مخاطب

این روش به معنای ملموس کردن مفاهیم دینی و ربط دادن مفاهیم انتزاعی و ناآشنا بوسیله واقعیات آشنا و روزمره زندگی مخاطبان است. این روش همان روش تشبیه است با این تفاوت که اینجا تشبیه معقول به محسوس است. چون مفاهیم دینی نوعاً انتزاعی می باشند و ملموس و قابل فهم نیستند ما آنها را با این روش برای مخاطب ملموس می کنیم.

نمونه:

- سلمان فارسی (ره) می گوید: همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در سایه درختی نشسته بودیم که حضرت شاخه ای را تکان دادند به طوری که برگهایش ریخت و بعد فرمودند: آیا نمی پرسی چرا این کار را انجام دادم؟ سپس ادامه دادند: مؤمن وقتی نماز می خواند گناهانش همچون برگهای این درخت می ریزد.
- همانگونه که حرس کردن شاخه های درخت انگور (با اینکه شاخه های درخت کم شده است) باعث زیاد شدن بار آن می شود؛ زکات دادن هم باعث زیاد شدن مال انسان می شود.
- نماز بدون تقوی مانند تخمه پوک می ماند.
- خدا یک مبل دارد و آن را گذاشته داخل قلب ما و روی آن نشسته است. مبدا که خدا را از روی این مبل بلند کنیم و شیطان را بر روی آن بنشانیم! (القلب حرم الله)
- قلب انسان مانند لیوان می ماند. هرچقدر آب در آن بریزیم هوا از آن خارج می شود. پس هرچقدر شیطان را داخل آن کنیم خدا از آن خارج می شود.
- امام سجاد علیه السلام: آنقدر گناه کن که به همان اندازه بتوانی آتش جهنم را تحمل کنی. یک کبریت روشن کن و تالحتظه ای که می توانی آن را در دست نگه دار.
- از امام سجاد علیه السلام پرسیدند: معصوم کیست؟ فرمودند: معصوم کسی است که نه گناه می کند و نه فکر گناه به ذهن او خطور می کند. شخصی پرسید: چگونه ممکن است؟ حضرت پاسخ دادند:

آیا شما تابحال مدفوع خود را خورده اید؟ و یا به فکر آن افتاده اید که از آن بخورید؟ گناه برای ما اینگونه است.

نکته: اگر مخاطب بفهمد که ما چه می گوئیم ممکن است قبول کند اما اگر نفهمد هرگز قبول نخواهد کرد.

۴. روش تلخیصی (جان کلام)

این روش یکی از بهترین و جذاب ترین روشها برای جوانان است، که معمولاً نکات مثبت اخلاقی یا احکام با این روش بیان می شود.

جذابیت این روش برای جوانان بیشتر به خاطر کوتاه بودن آن است. زیرا جوانان بیشتر تمایل به مطالب کوتاه و موجز دارند.

در این روش ما مقدمات اصلی یک مطلب را می نویسیم و با علامت «+» آنها را به هم پیوند می زنیم و در آخر با علامت «=» نتیجه گیری می کنیم.

نمونه ۱:

فرمول سوره عصر (سعادت بشر):

• ایمان + عمل صالح + توصیه به حق + توصیه به صبر = سعادت

نمونه ۲:

فرمول وضو:

• نیت + شستن دست راست از بالای آرنج تا نوک انگشت + شستن دست چپ از بالای آرنج تا

نوک انگشت + مسح سر + مسح پای راست با دست راست + مسح پای چپ با دست چپ =

وضو

نمونه ۳:

فرمول تجوید:

• در فارسی ۳۲ حرف داریم که ۴ حرف آن در عربی نیست. = ۲۸ حرف

از این ۲۸ حرف ۱۸ حرف آن در تلفظ با فارسی مشترک می باشند. = ۱۰ حرف

از این ۱۰ حرف یک حرف آن در نماز نیست. (حرف ثاء) = ۹ حرف

حرف ظاء هم در نماز لازم نیست گفته شود. (اگر در کوع به جای ذکر سبحان ربی العظیم و

بحمده سه مرتبه ذکر سبحان الله گفته شود.) = ۸ حرف

حرف واو هم با اینکه تلفظ آن در فارسی و عربی متفاوت است اما موجب تغییر معنی نمی شود. = ۷ حرف

این هفت حرف عبارتند از: حاء، عین، غین، صاد، ضاد، ذال، طاء.

● حرف حاء:

مانند پوست تخمه ای که در حلق گیر کرده و می خواهیم با فشار هوا خارجش کنیم.

مثال:

الرحمن، الرحیم، أحد، الحمد، سبحان، بحمد، وحده، محمد، رحمت الله، صالحین.

● حرف عین:

اگر با دو انگشت دست گلوی خود را از دو طرف کمی فشار بدهیم دیواره های حلق به هم نزدیک می شوند که در این صورت مخرج عین بدست می آید.

مثال:

نعبد، نستعین، عالمین، انعمت، علیهم، اعلی، علی، علیک، علینا، علیکم.

● حرف غین:

آب را در گلو غرغره کن، نقطه ای که صدای غرغره شنیده می شود مخرج غین است.

مثال:

غیر المغضوب.

● حرف صاد:

همان سین فارسی + درشت ادا کردن = مخرج صاد

مثال:

صراط، صمد، صالحین، صل.

● حرف ضاد:

تماس کناره زبان با دندانهای آسیای بالا از هر طرف.

مثال:

غیر المغضوب، ولا الضالین.

● حرف ذال

نوک زبان با لبه دندانهای پیشین بالا تماس می گیرد و هوا با فشار از فاصله بین آنها عبور می کند.

مثال:

صراط الذین، عذاب النار، كذلك الله ربی.

● حرف طاء

همان تاء فارسی + درشت ادا کردن = مخرج طاء

مثال:

صراط الذین.

۵. روش تنوعی

در این روش که بیشتر مختص به نوجوانان است از یک بخش کوتاه از آیه یا روایت به عنوان اصل استفاده می شود و در ادامه در قالبهای مختلف (مانند آداب، احکام، داستان، شوخی و ...) با همان موضوع، مطالبی به مخاطب ارائه می گردد. البته در این روش در هر ۵ یا ۶ قالب یک قالب را به عنوان شوخی، طنز یا داستان قرار می دهیم تا یک نواخت نباشد.

نمونه:

• آیه:

«قولوا للناس حسنا»

• حدیث پیرامون همین آیه:

قال رسول الله: «طوبی لمن ملک لسانه».

• کلمه شناسی:

حضرت موسی را کلیم الله می گویند یعنی هم سخن و هم صحبت با خدا بود.

• آداب:

هنگام حرف زدن دست مخاطب را نگیر، به شانه اش دست نزن، باید مردم را با سخن گرفت نه با دست و پا.

• احکام:

سخن بیجا در نماز باعث می شود نماز گزار بعد از نماز دو سجده سهو بجا آورد. یک نفر در نماز شروع کرد به سخن گفتن رفیقش که در کنار او در حال نماز خواندن بود به او گفت چرا حرف زدی نمازت باطل شد. نفر سومی پشت سر آنها بود گفت: خوش به حال خودم که منازم باطل نشد. که هر سه نمازشان باطل شد.

• اخلاق:

سخن گفتن در گوشی در جمع درست نیست، زیرا دیگران فکر می کنند در باره ایشان صحبت می کنیم.

- سیره:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با کلامشان مردم را به هم نزدیک می کردند. سکوت بر ایشان حاکم بود و بیجا حرف نمی زدند.

- دعا:

«رب اشرح لی صدری و یسر لی امری ...».

- شوخی:

از شخصی پرسیدند: کدام سوره برای تو شکفت انگیز است؟ گفت: سوره مائده! (۶) پرسیدند: کدام آیه؟ گفت: آیه "ذَرَهُمْ یَا کُلُوا وَیَتَمَتَّعُوا"؛ "بگذار آنها بخورند، و بهره گیرند!" گفتند: دیگر کدام آیه؟ گفت: آیه: "...ادْخُلُوها بِسَلامٍ آمِنینَ"؛ "داخل این باغها شوید با سلام و امنیت." باز گفتند: پس از آن، کدام آیه را دوست داری؟ گفت آیه: "وَمَا هُمْ مِنْها بِمُخْرَجینَ"؛ "و هیچ گاه از آن اخراج نمی گردند."^۱

به شخص پر خوری گفتند: کدام آیه قرآن را بیشتر دوست داری؟ پاسخ داد آیه «ما لکم لا تأکلوا»^۲.

- ضرب المثل:

زبان سرخ سر سبز می دهد بر باد. و یا با زبان خوش می شود مار را از سوراخ بیرون کشید.

- معما: آن چه عضوی است که هیچ وقت درد نمی گیرد: زبان

- انواع زبان زبان دراز زبان چرب زبان خشک زبان گویا زبان تند و تیز زبان نرم زبان ...

- گناهان زبان: غیبت، تهمت، فحش، دروغ و...

•

۶. روش طراحی

مهمترین و شایع ترین ابزار شناخت برای هر انسان حواس ظاهری است و حواس ظاهری هم تنها محسوسات را درک می کند. از جمله شیوه های نوین برای محسوس و ملموس کردن مفاهیم دینی، روش طراحی است. این روش حتی مورد عنایت و استفاده پیامبر و ائمه (علیهم السلام) هم بوده است. به

۱ برگرفته از مجله مبلغان

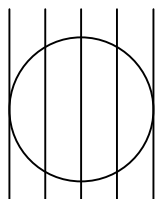
۲ استاد در کلاس این مورد را به عنوان آیه مطرح کردند اما بنده آیه مربوطه را پیدا نکردم.

۳ برای استفاده از مثال کامل در این رابطه مراجعه شود به کتاب جذاب سازی کلاسهای دینی، ص ۵۵

عنوان مثال: جابر بن عبدالله انصاری می گوید: روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بر روی زمین خطی کشیدند و فرمودند: این راه خداست. سپس در اطراف آن خطهای دیگری کشیدند و فرمودند: اینها هم راه هایی است که بر سر هر یک از آنها شیطانی قرار دارد که انسان را به آن دعوت می کند. سپس دست خود را بر راه میانی گذاشته و این آیه را تلاوت کردند: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ».

از این روش که تشکیل شده از تعدادی خط و پاره خط (خط مستقیم و منحنی)، می توان برای ملموس کردن آیات و روایات بسیاری استفاده کرد. به این نمونه ها توجه کنید:

• «الدنيا سجن المؤمن»



• «يُخْرِجُهُم مِنَ الظلمات الى النور... يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النور الى الظلمات»

• «الذكر نور»

• «النظر سهم من سهام الشيطان»

۷. روش تمثیلی

در این شیوه مربی باید به محیط و آنچه در حیطه محسوسات مخاطب اوست توجه نماید. باید ببیند که مخاطب او با چه اموری بیشتر سرو کار دارد و چه چیزهایی بیشتر در مرآی و منظر اوست تا از آنها برای تشبیه و تمثیل استفاده نماید. قرآن کریم چون در سرزمین عربستان نازل شد و مخاطبان اولی آن عربهای

آن عصر بودند که بیشتر با کوه و شتر و دشت و صحرا سر و کار داشتند، مثال های آن هم بیشتر در این زمینه هاست. «أفلا ينظرون الی ابل کیف خلقت» و الی الجبال کیف نصبت»

در این روش همچنین می توانیم یک آیه یا روایت را بیاوریم که مثال به مورد خاصی زده شده است و از مخاطب سؤال کنیم: مگر این مورد چه خصوصیتی دارد که به آن مثال آورده اند؟

نمونه:

قال رسول الله، صلى الله عليه و آله وسلم:

«إنّ الذی لیس فی جوفه شیء من القرآن کالبیت الخراب»

سؤال:

مگر خانه خراب چه خصوصیتی دارد که پیامبر اکرم، صلى الله عليه و آله وسلم قلبی را که با قرآن مأنوس نیست را به آن تشبیه کرده اند؟

جواب:

۱. خرابه ها امنیت ندارند، قلب بدون قرآن هم مضطرب است.
۲. خرابه ها محل تردد خلاف کاران هستند، قلب بدون قرآن هم محل رفت و آمد شیاطین انس و جن است.
۳. خرابه ها متعفن و بدبو هستند، قلب بی قرآن هم از بوی خوش معنویت محروم است.
۴. خرابه ها با اندک تکانی خراب تر می شوند، قلب بدون قرآن هم با اندک وسوسه ای مشکلاتش بیشتر می شود و هر روز رو به سویی است.
۵. به پناه گرفتن در خرابه ها نمی توان اعتماد کرد، به انسان هایی هم که از قرآن دور هستند نمی توان اعتماد کرد و از شر و خیانت آنها در امان بود.
۶. خرابه ها در شب تاریک و ظلمانی هستند، قلبهای بدون قرآن هم در ظلمت به سر می برند چون قرآن نور است.
۷. خرابه ها ارزش و قیمتی ندارند حتی ارزش زمین آنها هم کمتر می شود.
۸. در خرابه ها انسان از سرما و گرما محفوظ نیست، قلب بدون قرآن هم از یأس و ناامیدی محفوظ نیست.
۹. خرابه ها را کسی دوست ندارد.
۱۰. خرابه ها ترسناک هستند.

۱۱. خرابه‌ها زیبایی ندارند.^۱

و ...

طرح درس

طرح درس عبارتست از برنامه‌ریزی و سازمان‌دادن به مجموعه فعالیت‌هایی که مربی در ارتباط با هدف‌های آموزشی محتوای درس و توانایی‌های فراگیران برای مدت مشخص تدوین و آماده می‌کند. در هر درس سؤالات مختلفی مطرح می‌شود که پاسخ مناسب به هر یک از آنها، مرحله‌ای از مراحل تدریس را در بر می‌گیرد. در این ارتباط ابتدا سؤالات هفت‌گانه زیر برای مربی مطرح می‌گردد:

۱. چه موضوعی را می‌خواهم تدریس کنم؟

ما یک عنوان داریم مانند: عقاید، اخلاق، تجوید و... و یک موضوع مانند: خداشناسی، وضو، حمد و... .

موضوعات ابتدا باید اولویت بندی شوند. ما چند موضوع اصلی داریم که اگر این موضوعات برای مخاطب حل شوند بسیاری از مطالب دیگر هم حل خواهند شد. این موضوعات به ترتیب اولویت عبارتند از:

• حضور خدا

• ایمان به غیب

• نماز

• حیا (تقوا، طهارت، حجاب، نگاه و...)

• راست‌گویی

• گریز از گناه

• اتقان در کارها (کارها را درست انجام دادن).

خصوصیات یک موضوع خوب:

• تعبد ساز باشد (از خدا شروع شود و به خدا منتهی گردد و مسایل زندگی هم در آن موجود باشد).

۱. جهت استفاده از روش‌های بیشتر مراجعه شود به کتاب جذاب سازی کلاسهای دینی مرحله دوم.

- با محوریت آیات و روایات باشد.
- متناسب با سن و نیاز مخاطب باشد.

۲. به چه منظوری می‌خواهم تدریس کنم؟ (هدف از تدریس)
۳. در چه زمانی می‌خواهم تدریس کنم؟ (چند جلسه و هر جلسه چند دقیقه؟)
۴. به چه کسانی می‌خواهم تدریس کنم؟ (سطح سنی، هوشی، فکری و ... مخاطبین در چه حد است؟)
۵. با چه وسایلی می‌خواهم تدریس کنم؟ (سعی کنیم همیشه وسایل مورد نیاز مانند کاغذ به تعداد افراد، ماژیک وایت برد و ... را همیشه همراه داشته باشیم.)
۶. به چه روشی می‌خواهم تدریس کنم؟ (مدیریت کلاس معلم محور است یا شاگرد محور یا تلفیقی؟ و قالب بیان مطالب چیست؟)
۷. آیا در کار تدریس خود موفق خواهم بود؟ (ابتدای کلاس ارزشیابی تشخیصی داشته باشیم، بینیم که سطح کلاس چقدر است.)

محورها و عناوین طرح درس:

۱. عنوان (اصول عقاید، تفسیر، قرآن، احکام، اخلاق، و ...)
۲. موضوع (محورهای فرعی مربوط به هر عنوان مشخص گردد؛ عنوان اخلاق با موضوع احترام به والدین.)
۳. سطح (با توجه به معلومات مخاطب مشخص می‌شود. معمولاً در سه سطح مقدماتی، متوسط و پیشرفته یا کودک، نوجوان و جوان یا ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان یا سن، صنف و اقشار)
۴. مدت جلسه
۵. حیطة یادگیری (عاطفی (دینی) یا روانی (مهارتی، اجتماعی))
۶. هدف درس (هدف آموزشی یا هدف پرورشی، شناخت دادن یا مهارت دادن)
۷. اهداف رفتاری ویژه هر درس (تغییراتی که انتظار داریم در پایان این درس مخاطب بدست بیاورد. مثلاً در بحث قرآن می‌خواهیم روخوانی را یاد بگیرد.)
۸. ارزشیابی تشخیصی (آنچه که مربی بوسیله آن سطح علمی متربی را بدست می‌آورد. مانند چند سؤال پیرامون بحث، در ابتدای جلسه)

۹. شیوه و روش تدریس (متداول و فراگیر یا نوین و ابداعی)

۱۰. وسایل و ابزارهای کمک آموزشی

۱۱. محتوی و متن درس

۱۲. جمع بندی خلاصه درس

۱۳. تکالیف

۱۴. ارزشیابی پایانی و امتحان از کلاس

۱۵. معرفی منابع مورد نیاز جهت مطالعه متربی

انواع هدف:

۱. آشکار (آموزشی)

۲. پنهان یا استراتژی (پرورشی و تربیتی)

به عنوان مثال در آموزش قرآن یک هدف آشکار داریم که عبارتست از یاد دادن روخوانی قرآن و یک هدف پنهان داریم که عبارتست از علاقه مند کردن دانش آموزان به قرآن.

ایجاد تنوع در کلاس

تکالیف^۱

۱. به علت وجود این دو مبحث در کتاب جذاب سازی به صورت کامل، از آوردن مطالب این دو مورد در داخل جزوه خودداری شده است.